

متن پرسش

با سلام موضوع؛ وجه تمایز ناقص با غلط.... سوال مهمی برای مطلع این بحث لازم است اینست که؛ آیا آنچه که ما از خود و امورات جهان هستی درک می‌کنیم، حقیقتاً آنچه که هست، است؟ زمانی که رسولش فرمود اللهم ارنی اُشیا کما هی_ الہی امور را آنگونه که هست بر من بنمای و از طرفی در فرمایشات مولی علی (ع) است « اگر پرده از پیش روی من برداشته شود چیزی بر یقینم افزوده نگردد. برای کشف این سرّ از خود! باید در مسیر لامسیر میان رسالت تا امامت سیری کرد. و ای بسا از اجمال به تفصیل حداقل در این کانال بر من خرده گرفته نخواهد شد «ان شاء الله» اگر بگوییم سیر از امام خمینی (قدس سره) تا امام خامنه ای (حفظ الله)..... مولانا در مثنوی شریف اشان راهکار جالبی دارند می‌فرمایند برای این سیر بایست به خروس بنگرید ببینید که صبح کاذب نمی‌تواند فریض دهد چون او در این میان برای بیان حق همت گماشته نه بیان خود! اهل دنیا از این رو همیشه در اشتباه اند که صبح کاذب رهن آنان است یعنی صدق و کذب را نمی‌توانند تشخیص دهند.

ای خروسان از وی آموزید بانگ / بانگ بهر حق کنید نه بهر دانگ

صبح کاذب آید و نفریدش / صبح کاذب عالم و نیک و بدش

اهل دنیا عقل ناقص داشتند / تا که صبح صادقش پنداشتند

حال سوال مهم ملاک سنجش صدق از کذب چیست؟ جواب، اگر میان صدق و کذب نمی‌توانیم تفکیک کنیم، نباید نظریه پردازی کنیم یعنی همین که متوجه باشیم «ما ملاک سنجش را ابتدا نداریم» و حقیقتاً بر سر این نمی‌دانیم بمانیم قدم اول را نیک برداشته ایم. قدم بعدی اینست که ما (با مقدمه قدم اول) متوجه می‌شویم ملاک تشخیص را می‌توانیم داشته باشیم، فعلاً نداریم اما

می‌توانیم داشته باشیم! یعنی جمع میان (نه _ بلی) بعبارتی بپذیریم ما امور جهان و خود را آنگونه که هست، نمی‌یابیم اما می‌توانیم بیابیم! این نحوه از برخورد دیگر تعارضی میان سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با امیر المومنین علی (ع) نخواهد بود که هیچ، بلکه سیر تکاملی است، می‌شناسم که اگر از خود پرستی خارج شویم به خود اصلی می‌رسیم، و هکذا نسل جوان امروز اگر در چهره رهبری، بطور تمام و کمال چهره امام خمینی ببیند، کاری کارستان کرده، به این مهم دست نخواهد یافت مگر با ندیدن خودیت، خود! ما باید به این سخن امام خمینی (ره) رجوع دوباره کنیم که نگوید انقلاب برای ما چه کرده بگوید ما برای انقلاب چه کرده ایم؟ متعاقباً رهبری می‌فرماید جوانان مطالبه گری کنند، چرا؟ چون می‌فهمانند که دیروز حربه تشخیص میان صدق و کذب بود اما اکنون تلاش برای کمال از نقصان است اینکه صدق و کذب را ما به نقص کمال نباید خلط کنیم تلاش تمام

رسانه های معاند را بطور خلاصه، بنظر بنده، در این می‌شود عرض کرد که آنان دست به خلط نقص و غلط زده‌اند امید آفرینی امروز ما در رفع ابهام در این خلط نهفته است. ما نقص داریم اما درمسیر غلط نیستیم، ما امور را آنگونه که هست نمی‌یابیم اما می‌توانیم بیابیم. بگشای به امیدی تو دیده جاویدی / تا تابش خورشیدش از عرش فرازآید

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بگذار از همین بیت آخری سخن گفته شود و آن نظر به امیدی است که امید تابش خورشید است از عرش. خدا می‌داند شهدای عزیز ما هرگز کمتر از این در نسبت با انقلاب اسلامی در افق نگاهشان نبود و این که می‌توانند در میدانی حاضر شوند که «فرش» و «عرش» به هم نزدیک گردند. آری! این جا است که از یک جهت این رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» است که عرضه می‌دارند: «اللهم ارنی الأشياء كما هی.» و از حضرت محبوب تقاضا می‌کنند حقیقت هر چیزی را بر او بنمایاند و از طرف دیگر در دل همین بستر حضور، مولایمان علی «علیه‌السلام» در کلیت حضور در نسبت بین این دنیا و آن دنیا اعلام می‌فرماید: «لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا اِزْدَدْتُ يَقِينًا» یعنی آنچه در حضور بیکرانه خود حاضر شده‌اند که اگر پرده‌های دنیا کنار رود، هیچ چیزی بر یقین آن حضرت گشوده نمی‌شود زیرا خود را در تاریخی احساس می‌کنند که با اسلام شروع شده است و راه توحید در ظلمات جاهلیت به میان آمده است. در این راه است که اگر با پیامبر شروع شد و آن تقاضای متعالی به میان آمد، هرچه جلو رویم و باز جلو رویم این اجمال حقیقت است که به تفصیل بیشتر می‌آید و به گفته شما نسل جوان می‌تواند در آینه شخصیت فوق العاده رهبر معظم انقلاب به یک معنا همه حضرت روح الله را بنگرد هرچند که آینه، حکایت گزارش صاحب‌صورت را به ما نشان می‌دهد. و این همان تلاش برای عبور از «کذب دوران» و نزدیک شدن به «صدق زمانه» است تا «امید» چون خورشیدی در جان ما به درخشش آید. خدا می‌داند راست‌ترین سخن در این زمانه همان کلامی است که رهبر معظم انقلاب با ما در میان گذاشته‌اند یعنی «ایمان» به وعده الهی و امیدواربودن به هر آنچه در دل این ایمان به عنوان عطای الهی پیش می‌آید. موفق باشید